

## نگرشی تحلیلی بر سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه حمایت کیفری از بزه‌دیده اقلیت دینی (خلاءها و کاستی‌ها)

احمد سام<sup>۱</sup>

### چکیده

در دهه‌های اخیر با مطالعات جرم‌شناسان، بزه‌دیده‌شناسان در حوزه حقوق کیفری توجه ویژه‌ای به نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب عمل مجرمانه صورت گرفته است. یکی از مباحث خاص و نیازمند توجه ویژه، گروه‌های خاص بزه‌دیدگان است که به فراخور حوزه مطالعاتی پژوهشگران مورد توجه واقع می‌شود. یکی از این حوزه‌ها بحث اقلیت‌ها به صورت عام و اقلیت‌های دینی به طور خاص می‌باشد. موضوعی که از سوی بسیاری از کشورها و حتی اسناد بین‌المللی مورد توجه واقع نشده است. در حقوق داخلی سیاست جنایی تقنینی کشور نیز چه در سطح کلان و بطور عموم و چه به صورت موردی و خاص برنامه‌ریزی مدرن و منسجمی در مورد بزه‌دیدگان و علی‌الخصوص بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی ندارد. اگر چه پیشرفت‌هایی در این خصوص با توجه به مقررات جدید ماهوی و شکلی پدید آمده است. در نوشتار حاضر درصدد آن هستیم با روش تحلیلی-توصیفی، با مطالعه کتابخانه‌ای به نقد و بررسی سیاست جنایی تقنینی در زمینه حمایت کیفری از بزه‌دیده اقلیت‌های دینی بپردازیم. در این زمینه با توجه به اسناد بین‌المللی و مقررات فراملی و انطباق آنان با مقررات فراتقنینی و فرو-تقنینی درصدد بررسی خلاءها و کاستی‌ها این موضوع خواهیم بود.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیده، اقلیت دینی، سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی افتراقی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

## مقدمه

دارند ولو به صورت شکلی و فانتزی و ظاهری حقوق اقلیت-ها را تمام و کمال در حقوق داخلی به رسمیت شناخته و سیاست جنایی خود در گونه‌های مختلف آن بر حمایت از اقلیت‌های دینی و حقوق متصوره آنان استوار نمایند.<sup>۱</sup> اگر چه با ملاحظه و دقت نظر در مقررات و اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مشخص می‌گردد که چه در سیاست تقنینی و بالطبع در راهبردها و سیاست‌های قضایی و اجرایی توجه و حمایت ویژه‌ای به اقلیت‌های دینی نشده و اسناد بین‌المللی علی‌رغم الزام‌آور بودن آنان از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ کارایی و الزام اجرایی لازم را نداشته‌اند. بطور مثال: در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مقرر است که: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، اشخاصی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرائض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم نمود.»

اما در عمل بطور مثال در کشور فرانسه که به عنوان مهد آزادی از آن نام برده می‌شود قانون منع حجاب تصویب می‌گردد و اتحادیه اروپا نیز از این امر حمایت می‌کند.<sup>۲</sup>

در نظام حقوقی کیفری ایران که نشأت گرفته از شرع مقدس اسلام است علی‌رغم وجود منابع غنی دینی و اعتقادی در خصوص رعایت حقوق اقلیت‌های دینی<sup>۳</sup> و طبعاً حمایت از آنان، با همه تدابیری که در سیاست جنایی تقنینی به جهت حمایت از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی مخصوصاً با تدوین مقررات قانون مجازات اسلامی در سال

یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی که امروز به عنوان شاخه‌ای از علوم جنایی تبدیل گردیده است تأثیر گسترده‌ای در سیاست جنایی کشورهای مختلف ایفاء نموده و می‌نماید. در کمتر متن حقوق کیفری چه در قالب متون قانونی و چه پژوهش‌های علمی در این زمینه واژه بزه‌دیده\*، دیده نمی‌شود و در مقالات و تحقیق‌های مرتبط علمی ترویجی و یا علمی پژوهشی عبارات بزه دیدگی\*\*، بزه‌دیده‌سازی\*\*\* و سایر مشتقات ادبی بزه‌دیده ذکر می‌گردد. ضرورت حمایت از بزه‌دیده چه به صورت غیرکیفری و چه در قالب امور کیفری در متون و اسناد بین‌المللی و توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف در این سطح و همچنین متون تقنینی در سطح ملی و داخلی کشورها پدیدار شده و به سرعت در حال پیشرفت است (رضوی فرد و فقیه‌محمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۱۹۵). به طوری که سیاست جنایی کشورها از بزه‌کارمداری به بزه‌دیده محوری تبدیل و رو به گسترش است. در این راستا در مورد بزه‌دیدگان اقلیت به خصوص اقلیت‌های دینی که به لحاظ ویژگی‌های خاص اعتقادی که ناشی از تکرر ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و سنت‌های نظام اجتماعی در سطح جهان در موضع اقلیت قرار داده شده‌اند، به جهت صفت در اقلیت بودن و بدلیل اینکه با داشتن دین و مذهب متفاوت آگاهانه از سوی بزه‌کاران مورد هدف و آماج قرار می‌گیرد باید حمایت بصورت گسترده‌تر، فنی‌تر و در یک کلمه به شکل افتراقی صورت گیرد.

لذا نظام‌های سیاسی با پیروی از اسناد و مقررات بین‌المللی با حساسیت ویژه‌ای با این موضوع برخورد نموده و سعی

\*Victim

\*\*Victimhood

\*\*\*Victimization



## تعریف بزه‌دیده و انواع آن

۱- تعریف بزه‌دیده: واژه بزه‌دیده در زبان فارسی به منزله‌ی برابر نهاده مجنی علیه با همان قربانی جرم به کار برده شده است (رایجیان‌اصلی، ۱۳۹۰: ۳۴). و در اصطلاح انگلیسی کلمه Victim معادل بزه‌دیده قرار داده شده است (همان، ۸۶) بزه‌دیده در سطح بین‌المللی، جدا از اینکه این اصطلاح را اولین بار چه کسی ابداع و استفاده نموده در بند یک بخش الف اعلامیه اصول بنیادی عدالت (دادگری) برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت پیوست قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ میلادی به این شرح تعریف شده است که: «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های نقص‌کننده قوانین جنایی دولت‌های عضو- از جمله، قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع می‌کند- به شکل فردی یا گروهی زیان می‌بینند. از جمله آسیب‌های بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حق‌های بنیادی خود» (همان، ۱۷۱)، در بند ۲ از همان بخش به تقسیم‌بندی بزه‌دیدگان به مستقیم و غیرمستقیم اشاره شده که از بحث خارج است اما نکته مهم و قابل توجه در بند ۳ بخش مذکور است که مقررات پیش‌بینی در این اعلامیه باید بدون هیچ تمایزی چون نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت ... درباره‌ی همه اشخاص بکار روند. این امر نشان از عدم تبعیض دینی و مذهبی در حمایت از بزه‌دیدگان است.

نگارنده در این نوشتار درصدد ارزیابی و نقد تعریف مذکور نیست ولیکن بنظر می‌رسد با توجه به خاستگاه تعریف مذکور که ایجاد ضرر و زیان با گونه‌های مختلف ناشی از فعل و یا ترک فعل‌های جنایی، جرائم ناقص مانند شروع به جرم و جرم محال و جرم عقیم که مستلزم ضرر و زیان مادی و معنوی نباشد از شمول تعریف مذکور خارج است.<sup>۶</sup>

۱۳۹۲ صورت گرفت. متأسفانه همچنان با خلاءها و کاستی‌های ناروا در این مورد مواجه هستیم و شرایط مجازات کردن بزهکار را در مواردی منوط به مسلمان بودن بزه‌دیده نموده و بزه‌دیده اقلیت دینی از حمایت کیفری قانونی برخوردار نیست.<sup>۴</sup> و همچنان که سیاست جنایی کشور بر سبیل بزهکارمحوری استوار است و بزه‌دیده نادیده گرفته می‌شود این نادیدگی و کم‌توجهی در مورد بزه‌دیده اقلیت‌های دینی دوچندان است.

با این وصف، بزهکار که موجودی عقلایی است با توجه سیاست جنایی کشور بخصوص در گونه تقنینی آن که اتفاقاً اگر نگوییم همه بزهکاران لاقلاً اکثر آنان از آن مطلع هستند، به لحاظ کم‌هزینه بودن ارتکاب جرم در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی به سمت ارتکاب جرم علیه آنان سوق داده می‌شوند و لذا اقلیت‌های دینی نیازمند توجه خاص می‌باشند. در سیاست جنایی کشور که فی‌نفسه در تعارض و انسداد بسر می‌برد<sup>۵</sup> در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی توأم با خلاء و بعضاً تبعیض و کاستی است که می‌بایست درصدد رفع آن برآید.

مطالب این نوشتار در چند بخش شامل تعریف بزه‌دیده، تعریف اقلیت‌های دینی و گونه‌های مختلف، تعریف سیاست جنایی و انواع آن، انعکاس حمایت از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی در اسناد بین‌المللی و تطبیق آن با مقررات داخلی با رویکرد اعمال سیاست جنایی تقنینی کشور، اساسی‌سازی و حقوقی‌سازی حقوق اقلیت‌های دینی، خلاءها و کاستی‌های مقررات حمایتی و لزوم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی حمایتی و النهایه ضمن تحلیل مباحث تحقیق، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد خلاصه خواهد شد.

آن آگاه شود. بعلاوه به مناسبت در برخی از مواد از جمله مواد ۸۱ و ۸۲ کلمه بزه‌دیده بکار برده شده است.

با توجه به تعریف مذکور مندرج در ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری که بزه‌دیده را شخص متحمل ضرر و زیان ناشی از جرم دانسته و با عنایت به مواد ۱۴ قانون ذکر شده که در مقام بیان ضرر و زیان‌های احتمالی ناشی از وقوع جرم بوده می‌توان تعریفی به این شرح برای بزه‌دیده ارائه نمود: «بزه‌دیده شخص حقیقی یا حقوقی است که متحمل ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از وقوع جرم شده و حق مطالبه آن را حق خواهد داشت».

**۲- انواع بزه‌دیده:** بزه‌دیدگان رفتارهای جنایی را از یک منظر و دیدگاه می‌توان به دو گروه دسته‌بندی نمود:

اول: بزه‌دیدگان عادی و آنان بزه‌دیدگانی هستند که هیچ وضعیت و ویژگی خاصی باعث بزه‌دیدگی‌شان نشده است. دوم: بزه‌دیدگان خاص: شامل کسانی است که داشتن وضعیت و ویژگی خاص و یا قرار داشتن در موقعیتی خاص موجب بزه‌دیدگی‌شان شده است.

به عبارت دیگر موجبات بزه‌دیدگی بزه‌دیدگان خاص برپایه برخی از وضعیت‌ها یا متغیرها مثل شرایط جسمانی، جنسی و روانی و یا اجتماعی است. این گروه از بزه‌دیدگان یعنی بزه‌دیدگان خاص در یک تقسیم‌بندی به ۶ گروه دسته‌بندی و شامل بزه‌دیده کودک، زنان بزه‌دیده، بزه‌دیده سالمند، ناتوانان (معلولین) بزه‌دیده، بزه‌دیده اقلیت، بزه‌دیده جنسی شامل هم جنس‌گرایان، دوجنسیتی‌ها و تراجنسی‌ها می‌شوند (همان، ۵۶). گروه‌های خاص بزه‌دیدگان را می‌توان بزه‌دیدگان در شرایط ویژه نامید و از نظر بزه‌کاران این دسته از بزه‌دیدگان، بزه‌دیدگان ایده‌آل هستند. البته تعبیر دیگری از بزه‌دیدگان خاص مثل بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر و علق آن مطرح شده است (حاجی‌تبار، ۱۳۸۸: ۳۹).

نکته دیگر اینکه عده‌ای از نویسندگان معتقدند چون در تعریف مذکور از واژه اشخاص استفاده شده است. بنابراین اشخاص حقوقی نیز مشمول تعریف بوده و جزء بزه‌دیدگانند (عزیزی، ۱۳۸۸: ۸۸). در حقوق داخلی واژه بزه‌دیده را مهدی‌کی‌نیا در سال ۱۳۷۰ اولین بار در متون حقوقی استفاده نمودند (کی‌نیا، ۱۳۷۰) و پس از آن به تناوب و تعدد از سوی صاحب‌نظران و نویسندگان استفاده گردید در بعد مقررات و جنبه تقنینی قانون مبارزه با قاچاق مصوب ۱۳۸۳/۰۴/۲۸ مندرج در شماره ۱۷۳۳۴ مورخ ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ روزنامه رسمی و ماده ۳ آن اولین قانونی است که واژه بزه‌دیده در آن تصریح شده ولی تعریفی از آن بعمل نیامده است.

اما در متون فرو تقنینی، دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک و حمایت از بزه‌دیدگان وزیر دادگستری وقت مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۳۱ با ذکر کلمه بزه‌دیده حسب ماده ۲ آن به تعریف آن نیز پرداخته شده است و البته تعریف مذکور فقط ناظر به شخص حقیقی بوده و شخص حقوقی را در بر نمی‌گیرد (رایجیان‌اصلی، پیشین: ۲۵۱). در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی از بزه‌دیده در ذیل ماده ۳۸ نام برده شده ولی باز هم تعریفی از آن ارائه نگردیده است. تا اینکه با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ابلاغی در ۱۳۹۴/۰۲/۰۳ و در ماده ۱۰ آن بزه‌دیده در یک قانون بطور صریح تعریف گردید. براساس ماده مذکور بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان دارد را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود، همچنین در ماده ۶ قانون یاد شده برای بزه‌دیده در کنار متهم، شاهد و سایر افراد ذیربط، حقوقی شناخته شده که می‌بایست در فرآیند دادرسی از



از نظر لغوی اقلیت به معنای کم بودن و در اصطلاح جمعیت یا گروهی را می‌گویند که دارای نژاد یا مذهب یا آداب و رسوم خاصی باشند و در مملکتی زندگانی کنند که اکثر مردم آن مملکت دارای آن مذهب یا آن آداب و رسوم نباشند و آن را در مقابل اکثریت قرار داده‌اند (عمید، ۲۱۶: ۱۳۶۳).

اما از لحاظ حقوقی همانطور که گفته شد در سطح بین-المللی و به تبع در سطح حقوق داخلی به لحاظ ابهامات موجود تعریف جامع و مانع در خصوص تعریف اقلیت ارائه نشده است و می‌بایست از آراء قضایی و دکترین حقوقی بهره گرفت. در این زمینه بنیادی‌ترین سند و تعریف از اقلیت‌ها را که عموم متخصصان مسائل اقلیت‌ها ناگزیر از مراجعه و استفاده از این تعریف هستند، تعریف فرانچسکو کاپوتورتی\* گزارش ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌های سازمان ملل متحد است (عزیزی، ب)، پیشین: ۸۹).

نامبرده در پی تصمیم کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌های سازمان ملل متحد دائر بر مطالعه و تحقیقی در خصوص حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های حقوقی، مذهبی و زبانی از سوی این سازمان که از جهت تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ماده ۲۷ آن در خصوص حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی در این سند بین‌المللی صورت گرفت طی گزارش جامعی در ۱۱۴ صفحه در سال ۱۹۷۹ تعریفی از اقلیت را اینگونه ارائه نمود: «گروهی که از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیرحاکم قرار دارند این اعضا با داشتن تابعیت آن دولت خصایص قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از

بعلاوه تقسیم‌بندی‌های دیگری از بزه‌دیدگان مثل بزه‌دیده ویژه و غیر ویژه از سوی نویسندگان به عمل آمده که به نوعی دسته‌بندی سلیقه‌ای و براساس مبانی فکری آنان است (عباسی، ۱۳۹۳: ۴۰)، یکی از گروه خاص بزه‌دیده که در این نوشتار مبنای بحث و فحص است بزه‌دیدگان اقلیت و به تبع آن اقلیت‌های دینی است.

## تعریف اقلیت و انواع اقلیت‌های دینی در ایران

### ۱- تعریف اقلیت

اقلیت\* از واژه‌هایی است که به جهت ابهام در مفهوم آن در هیچ معاهده‌ی بین‌المللی تعریفی از آن بعمل نیامده است از اینرو می‌بایست از تعاریف موجود در آراء مراجع قضایی و دکترین حقوقی بهره جست (عزیزی، ب)، ۱۳۹۴: ۶۹)، در مورد مفاهیم گروه‌های اقلیت اعم از گروه‌های ملی، قومی، نژادی و مذهبی تحقیقات وسیعی صورت گرفته اما همانطور که گفته شد هنوز تعریف دقیق و عام از آنها که در سطح بین‌المللی مورد قبول باشد وجود ندارد (همان، ۷۰).

ابهام مهم در تعریف اقلیت به متقاطع بودن ویژگی‌های گروه‌های اقلیت مربوط می‌شود (همان، ۷۲) به این معنا که ممکن است در برخی کشورها، گروهی از افراد به دلیل داشتن مذهب مجزا از اکثریت افراد جامعه، اقلیتی مذهبی محسوب گردند اما از نظر خصایص قومی به گروه اکثریت متعلق باشند و عکس چنین حالتی نیز قابل پیش‌بینی است یعنی افراد زیادی را می‌توان تصور نمود که از یک جنبه جزء گروه اکثریت هستند و از جنبه دیگر به گروه اقلیت تعلق دارند.<sup>۷</sup>

\*Minority

\*\*Francesco Capotorti

اخلاقی و احکام عملی که دین‌دار بر آن است که با ایمان و عمل به آن تعالیم که توسط پیامبر در اختیار آدمیان قرار گرفته به سعادت ابدی دست یابد (کدیور، ۱۳۸۷: ۸۳). با این تعریف، عقیده تعریفی جدای از مذهب و دین دارد، و عقیده را مجموعه دیدگاه‌ها، نظریات آراء باورها و برداشت هر فرد انسانی از هستی، جامعه، تاریخ، انسان، دین، فرهنگ و ... است هر عقیده از نظر صاحب آن صحیح، صادق، مفید و ارجح است و از نظر دیگران ممکن است باطل، کاذب، مضر و مرجوح باشد (همان، ۱۸۳).

این تفاوت در مفاهیم در ماده ۲ اعلامیه جهان حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصریح شده و در آن مذهب و عقیده بصورت مجزا ذکر گردیده است. به این مورد در ماده ۱۸ اعلامیه نیز اشاره شده است در بند ۱ ماده ۲ و بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را ضمن آزادی مذهبی به آزادی عقیده نیز اشاره شده و حکایت از تفاوت مفهومی این دو واژه است. این امر در بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین اقلیت‌های دینی اقلیتی انسانی هستند که دارای مذهب و عقیده مشترک می‌باشند، دادگاه کیفری روندا در پرونده‌های مختلف به گروه‌های مذهبی اشاره کرده است (عزیزی(الف)، ۱۳۹۴: ۸۸).

### ۳- انواع اقلیت‌های دینی

در اسناد بین‌المللی اخیرالتصویب هیچ تفاوتی بین اقلیت‌های دینی (مذهبی) وجود ندارد و مذهب و عقیده بصورت عام بکار برده شده است. علاوه بر اسناد بین‌المللی نام برده شده در مباحث قبلی، اعلامیه هر نوع نابرابری و تبعیض بر اساس مصوب سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل

دیگر افراد کشور دارند و هر چند بصورت ضمنی نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب و زبان خودشان احساس همبستگی دارند» (همان، ۹۰). گرچه تعریف مذکور به عنوان تعریفی مبنایی از سوی علمای حقوق پذیرفته شده است ولی از سوی حقوقدانان داخلی ایراداتی نیز بر آن وارد شده بطوری که خود مبادرت بر ارائه تعریف در این خصوص نموده‌اند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۴).

نگارنده باتوجه به تعریف مبنایی کاپوتورتی و استفاده از سایر تعاریف ارائه شده در آراء قضایی بین‌المللی<sup>۱</sup> معتقد است تعریف اقلیت را می‌توان این چنین ارائه داد که: «اقلیت‌ها گروهی از انسان‌ها هستند که از لحاظ دین، فرهنگ، نژاد، زبان، رنگ و سایر شاخصه‌های طبیعی و غیرطبیعی با اکثریت قلمرو یک کشور متفاوت بوده و از لحاظ عددی کمترین میزان و در قدرت سیاسی و حاکمیت نقشی نداشته و یا حداقل نقش را ایفاء می‌کنند.»

### ۲- اقلیت دینی

با ارائه تعریف اقلیت، یکی از گونه‌های اقلیت‌ها موضوع بحث اقلیت دینی است. برای تبیین این عبارت وصفی لازم است مفهوم دین یا مذهب را نیز دانست. در فرهنگ حقوقی بلاکزلاو در تعریف مذهب ذکر شده است:

مذهب ارتباط انسان با خدا، تقدس، عبادت، اطاعت و خود را تحت فرامین و دستورات موجودی فرا طبیعی و برتر قرار دادن است. مذهب در مفهوم گسترده‌ی آن شامل تمام اشکال اعتقاد به وجود خالق برتری است که بر انسان‌ها با رضایت آنها اعمال قدرت می‌کند و یا با وعده‌ی پاداش و عقوبت اخروی، قواعد رفتاری را به آنها تحمیل می‌کند (عزیزی(ب)، پیشین: ۳۰۴).

مذهب یا دین نوعی عقیده و مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری درباره انسان جهان مشهود و ماورای آن، منش‌های



۱۱۷ پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی که توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری با همکاری مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری در حال بررسی است. صرفاً به ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی اشاره و برای آنان حقوقی ذکر شده است.

با این حال در پاسخ به استفتاء بعمل آمده در این خصوص که: تعداد زیادی از مردم خوزستان که خود را صابئه می‌نامند و ادعای پیروی از پیامبر حضرت یحیی (ع) را دارند و می‌گویند کتاب او نزد ما موجود است و نزد علمای ادیان ثابت شده که آنها همان صائبون هستند که در قرآن آمده است.<sup>۱۱</sup> آیا این گروه از اهل کتاب هستند یا خیر؟ مقام رهبری اظهار نظر کرده‌اند که گروه مذکور در حکم اصل کتاب هستند (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۶۳)، و در پاسخ به استفتاء دیگری که مقصود از اهل کتاب چه کسانی هستند؟ اینچنین اظهار نظر کردند که مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی (ع) بدانند مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها و همچنین صائبین که براساس تحقیقات، از اصل کتاب هستند (همان، ۶۱)، بنابراین بنظر می‌رسد براساس فتاوی ذکر شده دامنه حمایتی قانون اساسی که در اصل ۱۳ آن به سه اقلیت دینی اکتفاء شده فراتر رفته و کلیه مذاهب و ادیانی که ضابطه‌ی پیروی از پیامبر الهی را همراه داشته باشد جزء اهل کتاب محسوب شده و مشمول حمایت‌های قانونی می‌باشند. اتفاقاً اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در پاسخ به سوال مطروحه نسبت به چگونگی اجرای ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در مورد صائبین مندابی استان خوزستان که در متن یکی از استفتاهای فوق‌الذکر از آن یاد شده بود در نظریه شماره ۷/۹۲/۹۸۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ خود این اقلیت دینی را

متحد و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به عدم تبعیض و برابری در مذاهب و ادیان بطور مطلق اشاره دارد اما در مقررات داخلی اقلیت‌های دینی به دو دسته تقسیم شده‌اند:

**دسته اول:** به عنوان اقلیت‌های دینی که به رسمیت شناخته شده‌اند که حسب اصل ۱۳ قانون اساسی شامل مسیحیان، کلیمی‌ها و زرتشتیان می‌شوند و عبارت اقلیت-های دینی در مورد آنها بکار برده شده و در اصل ۶۷ قانون اساسی نیز نمایندگان مجلس این اقلیت‌های دینی باید در نخستین جلسه مجلس براساس متن مندرج در اصل مذکور را با کتاب آسمانی خود سوگند یاد کنند.

**دسته دوم:** اقلیت‌های دینی که به رسمیت شناخته نشده‌اند، این امر علیرغم اطلاق اسناد بین‌المللی در مورد اقلیت-های دینی بدون شرط اضافی (به رسمیت شناخته شدن یا به رسمیت شناخته نشدن) از مفهوم مخالف اصل ۱۳ قانون اساسی استنباط می‌شود و حتی کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۲۲ خود با اشاره به ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ در مورد آزادی مذهب علاوه بر مذاهب سنتی، باورها و ادیان جدیدالتأسیس را شامل این حمایت‌ها می‌داند و مشخص نیست که این تعارض با توجه به الحاق کشور ایران به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۳۵۴ چگونه قابل جمع است؟<sup>۹</sup> این امر یقیناً متمسکی جهت درج نقض مواد میثاق در گزارش‌های سالانه کمیسیون (کمیته) حقوق بشر است.<sup>۱۰</sup>

بنابراین براساس اصول ذکر شده قانون اساسی سایر ادیان و مذاهب نظیر درآویش، نوکیشان مسیحی، صائبیان و یارسان (اهل حق) به رسمیت شناخته نشده و طبعاً حقوقی برای آنان قائل نیست. به این اعتبار در ماده بند سوم ماده ۳-

مشمول حکم مقرر در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌داند.

به هر حال به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران نباید تنگ‌نظرانه به فقه سنتی مقید بوده و نیاز به بازنگری حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی دارای تابعیت ایرانی وجود دارد.<sup>۱۲</sup> حتی این بزرگان به بحث اقلیت‌های دینی از منظر مرزبندی‌های جدید جغرافیایی بین کشورها در جهان نگاه کرده و آن را

قابل حذف و هضم می‌دانند، با این توضیح که اقلیت‌های دینی به معنای گذشته وجود ندارد چرا که از زمانی که مرزهای جغرافیایی برای تشکیل کشورها تعیین شده دیگر این مرز نیست و افراد تابعیت آن کشور را دارند و مذهب در آن‌ها شکل گرفته است. در واقع مسئله اقلیت زمانی مطرح می‌شود که حاکمیت آن کشور براساس مرزهای دین تشکیل شود ولیکن این تفاهم در بستر تاریخ تغییر کرده و دیگر نباید به اقلیت‌های دینی از منظر دیدگاه‌های قدیمی نگریسته شود و مباحث قبلی که بعضاً براساس فقه سنتی بود قابل تجدیدنظر و بازنگری است. همه ما ایرانی هستیم و اتحاد ما ایرانیت است و مسئله اقلیت دیگر مطرح نیست.

بنابراین با رویکرد و نگرش جدید به اقلیت‌های دینی که نزد یک به حقوق آنان در اسناد بین‌المللی است بنظر می‌رسد باید ضابطه یا ضوابط جدیدی برای شناخت اقلیت‌های دینی و طبعاً حمایت از آنان ارائه داد و مفاهیم تعریف شده در این خصوص با حفظ اصول غیرقابل خدشه دست‌خوش تغییر گردد. در این راستا احد از اعضای شورای عالی قضایی وقت از حضرت امام خمینی استعلامی بعمل آورده: دائر بر اینکه آیا غیرمسلمان که در مملکت ایران زندگی می‌نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارد ... همانند مسلمانان باید مجازات شوند ... که امام در جواب پاسخ دادند، کفار مزبور در پناه

اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آنها جاری است و محقون‌الدم بوده و مالشان محترم است (خمینی، ۱۳۸۷: ۳۰۴) با توجه به سوال مطروحه که به اهل کتاب یا غیر که منظور اهل غیر کتاب است اشاره دارد، پاسخ ارائه شده حکایت از تحول دیدگاه در حقوق اقلیت‌های دینی و حتی کفار دارد.

### انعکاس حمایت از بزه‌دیدگی اقلیت‌های دینی در اسناد بین‌المللی

از نظر تاریخی مسئله اقلیت‌ها به دوران باستان و تأسیس امپراتوری‌های بزرگ باز می‌گردد به تدریج جنبه‌های ملی، نژادی و به ویژه دینی به خود گرفت ولی به واقع در اوایل قرن بیستم است که حقوق بین‌الملل به این مسئله می‌پردازد (میرمحمدی، ۱۳۸۵: ۵۶).

پس از انحلال جامعه ملل و جایگزینی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ انتظار می‌رفت حمایت از حقوق اقلیت‌ها در برنامه کار این سازمان قرار گیرد اما چنین انتظاری نه تنها برآورد نشده بلکه به تعهدات سابق مربوط به اقلیت‌ها در میثاق جامعه ملل نیز پایان داده شد (همان، ۵۷). اما مهمترین اسنادی که در عرصه بین‌المللی به حقوق اقلیت‌های دینی اشاره و توجه شده به شرح سطور آتی اشاره خواهد شد، لازم به ذکر است بنظر می‌رسد در حقوق بین‌الملل هیچ سند بین‌المللی الزامی و مستقیمی که به حمایت از اقلیت‌های دینی بپردازد وجود ندارد و در اسناد مورد اشاره نیز حمایت‌ها ظاهراً به صورت غیرمستقیم است:

#### ۱- منشور ملل متحد (۱۹۴۵)

به موجب بند سوم ماده اول و بند ج ماده ۵۵ منشور ملل متحد با بیان اصل عدم تبعیض، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های





تحمل اقلیت‌ها از سوی دولت‌هاست و نه حمایت از آنها (همان، ۵۹).

#### ۵- اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲)

به دلیل افزایش تنش‌های قومی، نژادی و مذهبی سازمان ملل متحد توجه خاصی به حقوق اقلیت‌ها نشان داده و اعلامیه ۱۹۹۲ را می‌توان به عنوان مهم‌ترین گام در شناسایی حقوق اقلیت‌ها و هویت آنان دانست که تحت تأثیر و الهام از ماده ۲۷ میثاق به توسعه نظام حمایت از اقلیت‌ها می‌پردازد (همان، ۶۰). گرچه از نظر حقوق بین‌الملل این اعلامیه الزام‌آور نیست و دولت‌ها پذیرفته‌اند برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های دینی تلاش نمایند. لذا اعمال مفاد اعلامیه ۱۹۹۲ به اراده دولت‌ها بستگی دارد. لیکن با این همه در اعلامیه ۱۹۹۲ چهار مورد اساسی در مورد وضعیت‌های دینی تصریح شده است. حمایت از موجودیت و هویت اقلیت‌ها (در بند اول ماده یک اعلامیه) و حق مشارکت اقلیت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها (بند سوم ماده ۲ اعلامیه) حق تشکیل و اداره انجمن‌های خاص اقلیت‌ها (بند چهارم ماده ۲ اعلامیه) و حق برقراری ارتباط و حفظ آن با سایر اشخاص متعلق به اقلیت‌ها در خارج از مرزها و داخل کشور (بند ۵ ماده ۲ اعلامیه).

#### ۶- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)

ماده ۳۰ این کنوانسیون درباره کودکان متعلق به اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های دینی مقرر می‌دارد: در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی و یا افرادی با منشأ بومی وجود دارند، کودک متعلق به اینگونه اقلیت‌ها یا کودکی که بومی است، نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضاء گروه محروم شود.

اساسی برای همه بدون تبعیض از تبعیض نژاد، جنس، زبان یا دین خواهند بود.

#### ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)

مطابق ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر فردی بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد و یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌های اعلام شده بر این اعلامیه برخوردار است. همچنین مجمع عمومی نیز طی قطعنامه‌ای هم‌زمان با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر رسیدگی به موضوع اقلیت‌ها را به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل واگذار کرد.

#### ۳- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (ژنو سایید ۱۹۴۸)

براساس ماده دوم این کنوانسیون، ارتکاب جنایت به دلایل قومی، ملی و یا مذهبی مشمول کنوانسیون بوده و هر عملی که در جهت از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی یابد جنایت محسوب می‌شود.<sup>۱۳</sup>

#### ۴- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶)

ماده ۲۷ میثاق به عنوان سند بین‌المللی الزام‌آور به حمایت از اقلیت‌های دینی پرداخته و مقرر می‌دارد در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند اشخاص متعلق به اقلیت‌ها را نباید از حق تشکیل اجتماعات یا اعضای گروه خود و نیز بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار و انجام فرایض مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم نمود. براساس این ماده حق تدین به دین خود برای اقلیت‌های دینی شناسایی شده است. نکته قابل ذکر این است که حسب برخی از برداشتها سیاق منفی مندرج در ماده ۲۷

## ۷- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)

این کنوانسیون که به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معروف است در ماده ۱۴ خود به برخورداری از حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون اشاره کرده و مقرر نموده، این حقوق و آزادی‌ها باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی در زمینه‌های جنسی، نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، پایگاه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت قوی، اموال، زادگاه یا موارد دیگر تضمین شود و در ماده ۹ آن به آزادی مذهب و آزادی در ابراز مذهب و عقیده در انجام فرائض دینی البته با برخی محدودیت‌ها اشاره شده است.<sup>۱۴</sup> بعلاوه در سال ۱۹۹۵ از سوی شورای اروپا معاهده خاص اقلیت‌ها تحت عنوان چارچوب اروپایی کنوانسیون مربوط به حمایت از اقلیت‌های ملی (FCNM) تصویب شد ولی به اقلیت‌های مذهبی در آن اشاره نشده است.

## رویکرد گونه‌های سیاست جنایی ایران در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی

### ۱- سیاست تقنینی جنایی

#### الف) اساسی‌سازی حقوق اقلیت‌های دینی

اساسی‌سازی یا اساسی‌گرایی به معنای تبدیل یک هنجار عادی به یک هنجار برتر به واسطه قانون اساسی است. به این شیوه برخی هنجارها اعتبار و جایگاه فراقنینی پیدا کرده و در یک فصل یا شماری از اصول قانون اساسی می‌شوند (نیازپور، ۱۳۹۳: ۹۳)، این هنجارها می‌تواند گونه‌ای از حقوق و آزادی شهروندان باشد. در گستره سیاست جنایی ایران، حقوق اقلیت‌های دینی در پرتو اصول متعدد قانون اساسی، فراتر از سطح قوانین و مقررات عادی چه در سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی به رسمیت شناخته است.

بنظر می‌رسد اساسی‌سازی دو نتیجه در پی دارد: نخست، موجبات مصون ماندن آن هنجار را پدید آورده چرا که قانون اساسی به راحتی قابل تغییر نیست، بعلاوه کلیه آحاد حاکمیت باید مطیع رویکرد قانون اساسی باشند. بر این اساس سیاست جنایی اتخاذ شده در پرتو قانون اساسی در مورد اقلیت‌های دینی حاکی از اساسی‌سازی آن می‌باشد.

قانون اساسی در ۳ مورد از اقلیت‌های دینی نام برده است یکی در اصل ۱۳ آن که تنها اقلیت‌های دینی رسمی را سه دین یهودی، مسیحی و زرتشتی ذکر می‌کند، دیگری در اصل ۶۷ که مربوط به سوگند خوردن نمایندگان در بدو انتخاب و نخستین جلسه مجلس است و نمایندگان اقلیت‌های دینی با ذکر کتاب آسمانی خود ادای سوگند می‌کنند، سومین مورد مربوط به حقوق و آزادی‌های سیاسی در اصل ۲۶ قانون اساسی و عدم منع فعالیت‌های سیاسی و صنفی در مورد اقلیت‌های دینی است. در اصل ۱۴ قانون اساسی نیز به تصریح آیه ۸ سوره ممتحنه<sup>۱۵</sup> غیرمسلمانان بطور عام مورد توجه قرار گرفته و دولت به رفتار اخلاق حسنه و رعایت حقوق انسانی با آنان موظف شده است.

با عنایت به اصل بیستم قانون اساسی که همه افراد ملت را از همه حقوق انسانی برخوردار می‌داند لذا هیچ‌گونه تبعیض نباید بین اکثریت جامعه و اقلیت‌های دینی وجود داشته باشد همین امر با تسامح در اصل نوزدهم پذیرفته و با ذکر عبارت «مانند اینها» که بنظر می‌رسد معطوف به تفاوت دینی و مذهبی است نفی هرگونه تعقیب قومی و قبیله‌ای، دینی و مذهبی را در پی دارد. بعلاوه بندهای ۸ و ۹ اصل ۱۴ و اصول ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۴۱ و سایر اصولی که آحاد مردم و ملت ایران را مورد خطاب قرار داده و برای آنان حقوقی تعیین کرده نیز شامل اقلیت‌های دینی خواهد شد.



اصل ۲۳ قانون اساسی نیز تفتیش عقاید را ممنوع و حق تعرض و مؤاخذه افراد به صرف داشتن عقیده سلب شده است. از نظر موضوع بحث (حمایت کیفری) اصول ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و اصل ۱۵۹ و مخصوصاً اصل ۳۶ که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد به عنوان ترجمان اصل قانونی بودن جرم و مجازات نیز در مورد اقلیت‌های دینی قابل اجرا و بلکه لازم‌الاجراست. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تدوین-کنندگان قانون اساسی خواسته یا ناخواسته حقوق اقلیت-های دینی را اساسی‌سازی کرده‌اند.

#### ب) حقوقی‌سازی حقوق اقلیت‌های دینی

به اعتبار اساسی‌سازی مطروحه حقوق انسانی اقلیت‌های دینی، در قالب تقنین و تصویب اولیه و متعاقب آن در چارچوب اصلاح قوانین عادی باید مورد حمایت قرار گیرد. بعلاوه همین امر در آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و مقررات فروتقنینی را نیز به منصفه ظهور می‌رسد. متأسفانه این امر یعنی حقوقی‌سازی حقوق اقلیت‌های دینی در سطح قوانین و مقررات تقنینی کلی کشور علی‌رغم اساسی‌سازی آنان دیده نمی‌شود. در برنامه‌های پنج ساله در بحث‌های مرتبط مانند امور اجتماعی، فرهنگی جایگاهی برای اقلیت‌های دینی وجود ندارد با مذاقه در برنامه پنج ساله پنجم توسعه به عنوان آخرین برنامه توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) صرفاً در بند الف ماده ۹ آن به دولت اجازه داده شده که حداکثر ۵۰ درصد هزینه تکمیل مراکز فرهنگی، هنری و دینی دارای پیشرفت فیزیکی حداقل درصد بخش غیردولتی ... به صورت کمک بلاعوض تأمین نماید و این امر را می‌توان با تسامح به مراکز دینی اقلیت‌های دینی تسری داد.

قبل از آن در سیاست‌های کلی نظام و حسب دسته‌بندی عناوین و موضوعات سیاست کلی نظام مندرج در نامه مورخ

۱۳۷۶/۱۰/۲۵ ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام به مقام رهبری در بند ۴ از قسمت دوم سیاست‌های فرهنگی به ادیان اشاره شده و در زیرمجموعه آن به ادیان مربوط به اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی اشاره شده و در مورد اندیشه‌های عقاید و فرقه‌های دیگر ذکر عنوان گردیده ولیکن هیچگونه سیاست کلی ابلاغی در این خصوص وجود ندارد.<sup>۱۶</sup> در سایر مقررات تقنینی در موضوع بحث (حمایت کیفری) قانونگذار به صورت عادی از اقلیت‌های دینی نیز همچون سایر افراد جامعه حمایت و پشتیبانی کرده است.<sup>۱۷</sup> بطور مثال می‌توان به ماده ۷۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص جنایت بر میت اشاره داشت که با حذف قید مسلمان و از اطلاق عبارت دیه جنایت بر میت در متن ماده استفاده می‌شود که میت اعم از مسلمان یا غیرمسلمان است.

از مهمترین حمایت‌های کیفری در سال‌های اخیر که محل چالش فراوان نیز بود تساوی دیه میان مسلمانان و غیرمسلمان بود که در ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ براساس نظر حکومتی مقام رهبری دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی به اندازه دیه مسلمان تعیین گردیده است. البته همانطور که متن ماده ذکر گردیده به جهت اختلاف در میزان دیه غیرمسلمان در بین فقها این ماده براساس نظر حکومتی مقام رهبری تدوین شده است (حبیب‌زاده، پیشین: ۷۳). لازم به ذکر است گرچه به رغم این پیشرفت در خصوص تساوی دیه مسلمان با غیرمسلمان این تساوی در مورد اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی قابل اعمال است ولی در مورد سایر اقلیت‌های دینی که به رسمیت شناخته نشده همچنان بحث تبعیض در تساوی دیه و یا اساساً عدم وجود دیه در مورد آنان باقی است.<sup>۱۸</sup>

## ۲- خلاءها و کاستی‌های تقنینی در سیاست جنایی در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی

علیرغم حمایت‌های پیش گفته هنوز خلاءهای قانونگذاری و کاستی‌هایی (تبعیض جهانی) در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی در سیاست جنایی تقنینی وجود دارد. عدم جرم‌انگاری در خصوص ارتکاب جرائم نسبت به اقلیت‌های دینی (نقض حقوق بزه‌دیده اقلیت دینی)

**الف) قذف و دشنام به مقدسات انسانی اقلیت‌های دین**  
در حالی که براساس ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قذف هر یک از ائمه معصومین (ع) و یا حضرت فاطمه زهرا (س) یا دشنام به ایشان در حکم سب-النبی است و مجازات آن اعدام است ولیکن در مورد مقدسات انسانی اقلیت‌های دینی همچون حضرت مریم (ع) هرگونه دشنام فاقد محکومیت جزایی است و به همین ترتیب در سایر افراد مقدس در سایر ادیان نیز هیچ مجازاتی پیش‌بینی نشده است.

### ب) جرم ربا

در تبصره ۳ از ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در صورتی که مسلمانی از اقلیت-های دینی ربا دریافت کند مشمول مجازات ماده مذکور نخواهد شد عدم جرم‌انگاری در جرم ربا، تبعیض و نابرابری در جرائم ارتكابی علیه اقلیت‌های دینی است (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۹).

## ۳- کاستی‌های تقنینی در سیاست جنایی در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی

تفاوت در اعمال مجازات‌های قانونی:

ارتکاب جرم در موردی که بزه‌دیده از اقلیت‌های دینی باشد متأسفانه تابع سیاست جنایی تقنینی ارفاقی است که در

قانون مجازات اسلامی به کثرت دیده می‌شود، عمده‌ترین این تفاوت در مجازات و تبعیض در آن را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد.

### الف) جرائم حدّی

علیرغم اینکه در اصل نوزدهم قانون اساسی تصریح شده که مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود مع‌الوصف ظاهراً دین و مذهب می‌تواند از علل امتیاز و تبعیض باشد. با ملاحظه در مواد مربوط به حدود در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مباحث مربوط به زنا، لواط، تفسخ و مساحقه و حد قذف چنانچه بزه‌دیده اقلیت دینی باشد قانونگذار مجازات تعیینی مشمول تقلیل یا تخفیف قانونی قرار داده است بطور مثال در مورد بند پ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنانچه مرد غیرمسلمان با زن مسلمان زنا کند در هر حال چه در حال احسان و غیراحسان موجب اعدام است ولی در صورتی که مرد مسلمان با زن غیرمسلمان زنا کند مجازات آن در حالت غیراحسان همان ۱۰۰ ضربه شلاق است و این تبعیض قابل توجیه نیست. در مورد حد لواط، تفسخ و مساحقه نیز به ترتیب در صورتی که فاعل این جرائم از اقلیت‌های دینی باشد در هر حالت مجازات آن اعدام و در صورتی که بزه‌دیده و معقول جرائم مذکور از اقلیت‌های دینی باشد مجازات فاعل آن در غیر موارد مذکور در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (عنف، اکراه، شرایط احسان) صد ضربه شلاق است و در مورد تفسخ و مساحقه نیز به همین منوال قانونگذاری شده است.

درخصوص حد قذف نیز حسب تبصره ۱ ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که قذف شونده غیرمسلمان باشد مجازات قذف کننده از ۸۰ ضربه مصرح



بزه‌دیده (مقتول) اقلیت دینی (غیرمسلمان باشد) دارند یکی از مراجع تقلید و فقهای معاصر که اختیار این نظریه را نموده حضرت آیت ا... صانعی است که معتقد به قصاص مسلمان در برابر غیرمسلمان هستند (صانعی(الف)، ۱۳۸۴: ۱۴۵). ایشان در استدلال اختیار این نظریه چنین مرقوم داشتند که با استناد به آیه «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی‌الالباب»<sup>۲۱</sup> در موارد عمد قتل غیرمسلمان توسط مسلمان، فرد مسلمان محکوم به قصاص است و همانطور که مالش محترم و در مجازات خیانت به مالش و سرقت از آن بین مسلم بودن خائن و سارق و غیرمسلم بودن فرقی نیست، در قتل عمدی‌اش هم که مربوط به احترام به جانس که محترم است می‌باشد نیز فرقی نمی‌باشد و اطلاق ادله قصاص محکم و متبع است. ایشان همچنین با رد قول مشهور در نهایت نتیجه‌گیری می‌نمایند که قول مشهور از لحاظ قواعد روائی و فقهی محل اشکال بود و با اشاره به ترجیح روایاتی که با آیات قصاص موافقت دارد و به این جهت حکم مذکور یعنی قصاص قاتل مسلمان در مقابل قتل عمدی غیرمسلمان را اختیار نموده‌اند (صانعی(ب) ۱۳۸۷: ۳۲-۲۸). لازم به ذکر است اکثریت قریب به اتفاق فقها به قصاص مسلمان معتاد به قتل غیرمسلمان (دینی) نظر داده‌اند.<sup>۲۲</sup> در هر حال با توجه به عدم حمایت کیفری در سیاست جنایی تقنینی در مورد بزه‌دیدگان اقلیت دینی متأسفانه این امر احتمال جرم‌زایی نسبت به اقلیت‌های دینی را افزایش داده و در تقلیل مجازات قصاص به حبس تعزیری و دیه عملاً تبعیض مذهبی را رواج داده است و چه بسا با آگاهی مجرم مسلمان از مقررات مذکور که دور از انتظار هم نیست با سبق تصمیم و سوء نیت مجرمانه آشکار و صریح مبادرت به قتل عمدی غیرمسلمان نموده و به راحتی از مجازات قصاص قانوناً معاف می‌گردد!

در ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به سی و یک تا ۷۴ ضربه تقلیل می‌کند و اسلام را از شرایط احسان دانسته است (رحیم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۶). این موارد همگی حکایت از تبعیض دینی و اعتقادی در سیاست جنایی تقنینی است که هم با اسناد بین‌المللی و هم قانون اساسی مخالفت دارد.<sup>۱۹</sup> حرمت و حیثیت اشخاص و کرامت انسانی موجب تأکیدات الهی و دینی است و نباید از هر جهت تفاوتی میان انسان وجود داشته باشد و تفاوت دینی قابل توجیه برای عدم حمایت از شخصیت انسانی افراد نخواهد بود.<sup>۲۰</sup>

#### ب) جنایت عمدی بر نفس در مورد بزه‌دیده اقلیت‌های دینی

در بحث مربوط به قتل عمد غیرمسلمان توسط مسلمان در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تحت عنوان اقسام و تعاریف جنایات در فصل اول کتاب سوم ذیل بحث قصاص مقررات سابق مجدداً تکرار شده است. براساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از شرایط قصاص تساوی در دین ذکر شده است و گرچه قابل قصاص بودن یا نبودن مسلمان در قبال جنایت عمدی بر نفس در مورد غیرمسلمان به سکوت گذرانده شده است اما چگونگی نگارش ماده مذکور و همچنین ماده ۳۸۲ همان قانون استنباط می‌شود که مسلمان را بخاطر غیرمسلمان قصاص نمی‌کنند.

این موضوع از موارد اختلافی در بین فقها است لیکن قول مشهور آنان بر عدم قصاص در این مورد است (حبیب-زاده، پیشین: ۸۷)، و از همین قول در قانون مجازات اسلامی پیروی شده است. لیکن دیدگاه‌های نوینی و مخالفی در این خصوص وجود دارد که نظر به برابری در مجازات جنایت عمدی بر نفس یعنی قصاص در هنگامی که قاتل مسلمان و

مثلاً سیاست جنایی در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار یا بزه‌دیده، در حقیقت روش‌های مبارزه با جرائم خاص مانند مواد مخدر و قاچاق کالا و یا در مورد افراد ویژه و خاص مثل زنان و کودکان که تفاوت‌های عمده‌ای در چگونگی مبارزه با بزه‌کاری و یا بزه‌دیدگی این موارد در مقایسه با سایر جرائم و بزه‌دیدگان دارد سیاست جنایی افتراقی گفته می‌شود. به زبان ساده‌تر سیاست جنایی ویژه و به تعبیر دیگر حمایتی را می‌توان به عنوان سیاست جنایی افتراقی در نظر گرفت و این نوع سیاست جنایی یکی از جلوه‌های بارز تعامل میان حقوق کیفری با بزه‌دیده شناسی حمایتی و جرم شناسی پیشگیرانه است (حاجی‌تبار فیروز، پیشین: ۸۸).

متأسفانه علیرغم وجود اصول صریح قانون اساسی در حمایت از اقلیت‌های دینی و وجود اسناد بین‌المللی در این خصوص هیچ سیاست کلی و مدونی در خصوص اقلیت‌های دینی اعم از شناخته شده و نشناخته دیده نمی‌شود. همانطور که گفته شده سیاست‌های کلی نظام در بخش ادیان و مذاهب که ظاهراً در سال ۱۳۷۸ از مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده از سوی مقام رهبری ابلاغ نشده و قابلیت اجرایی پیدا نکرده است. در مقررات تقنینی و بطور کلی سیاست جنایی تقنینی بر اساس موارد پیش گفته نه تنها هیچ حمایت ویژه‌ای در مورد بزه‌دیدگان اقلیت وجود ندارد بلکه خلاءهای قانونی و عدم جرم‌انگاری و تبعیض در قوانین ماهوی و شکلی آشکار است. اما بنظر می‌رسد وجود یک سیاست جنایی افتراقی ویژه و حمایتی با توجه به اصول کلی مقررات حمایتی از بزه‌دیدگان از جرم بر پایه اصول قانون اساسی و اسناد بین‌المللی در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی ضروری است.

نمونه‌های زیادی از پرونده‌های مطروحه در محاکم دادگستری این مورد را تأیید کرده و قضات محترم نیز به لحاظ صراحت قانونی مبتنی بر قول مشهور فقها مجرم (قاتل) مسلمان را از قصاص معاف می‌کند.<sup>۲۳</sup>

بنا به مراتب فوق در پایان این بحث می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سیاست جنایی تقنینی در خصوص بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی علیرغم رویکردهای جدید هنوز دارای خلاءهای قانونی بوده و با کاستی‌هایی همراه است و حمایت‌های کیفری در مورد آنان کامل نمی‌باشد و این امر همچنان که گفته شد، با اصول قانون اساسی و اسناد بین‌المللی در تعارض است و می‌تواند دستاویزی باشد که در گزارش‌های سالانه کمیسیون حقوق بشر به عنوان نقض حقوق بشر در مورد ایران ذکر می‌گردد.<sup>۲۴</sup>

لازم به ذکر است از حیث قوانین شکلی نیز تبعیض در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی وجود دارد و علیرغم اینکه حسب ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۹۴) قواعد دادرسی کیفری حقوق طرفین دعوی را باید تضمین کند ولیکن در ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط شاهد شرعی که در جرائم حدّی جزء ادله اثبات است (بند ب) ایمان ذکر شده که معنا و مفهوم فقهی آن اسلام و مسلمان بودن است و این امر فرد غیرمسلمان را از ارائه ادله اثبات دعوی کیفری محروم خواهد نمود.

## سیاست جنایی افتراقی و لزوم آن در مورد بزه-

### دیدگان اقلیت‌های دینی

سیاست جنایی افتراقی سیاست جنایی اتخاذ شده ویژه و جداگانه است در موضوعات یا افراد خاص که به صورت مجزا و فارغ از سیاست جنایی عام با آن برخورد می‌گردد.



اتفاقاً این امر دارای مبانی و سنگ بنای مستحکم اعتقادی و ایدئولوژی است در همه ادیان الهی و از جمله اسلام که کشور ایران بر اساس اصل دوم قانون اساسی مبتنی بر اصول آن بوده و بر اساس اصل چهارم تمام مقررات آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد حمایت از مظلوم و دفاع از بزه‌دیده مخصوصاً اقلیت‌های دینی از تکالیف شرعی و از موجبات خشنودی خداوند و رستگاری بندگان شمرده شده است.

صرف‌نظر از آیات متعدد قرآنی<sup>۲۵</sup> در شناسایی اقلیت‌های دینی، پیامبر اکرم نیز با انعقاد قرارداد صلح و سازش با اهل کتاب این روش را بطور عملی به اجرا گذاشتند. در متون اسلامی فرامین و روایات متعددی از حقوق اقلیت‌ها و حمایت از آنان به چشم می‌خورد بطور مثال در نظر حضرت علی (ع) اموال و اعراض اهل کتاب همانند مسلمان محترم است کلام معروفی که حضرت در هنگام حمله سپاه به معاویه به شهر انبار و تعرض آنان به زنان غیر مسلم فرمودند اینچنین است که اگر به خاطر این حادثه، مسلمان از تأسف بمیرد ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است (شهیدی، ۱۳۸۷: ۲۸).

حمایت از بزه‌دیدگان که بعنوان سیاست جنایی بزه‌دیده-مدار در سیاست جنایی تقنینی روبه افزایش است. اما این امر در مورد حمایت از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی به لحاظ قلت عددی و اقلیت اعتقادی را می‌توان بطور ویژه و افتراقی افزایش داد اصلاح مقررات مربوط به توهین به مقدسات دینی اقلیت‌های دینی در تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ می‌تواند از این دست باشد بعلاوه در جای جای قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات جزایی چنانچه بزه‌دیدگان اقلیت دینی باشد می‌توان به شدت مجازات افزوده شده و مبنای تشدید مجازات قرار گیرد.

بطور مثال در ماده ۶۲۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ افزودن قید اقلیت‌هایی دینی به بزه‌دیده مندرج در ماده مذکور در کنار افراد کمتر از ۱۵ سال می‌تواند از این قسم حمایت‌های ویژه و افتراقی باشد و یا اینکه در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مزاحمت برای اطفال یا بانوان اقلیت‌های دینی با تشدید مجازات مواجه شود. این نوع تشدید مجازات هیچ مخالفتی با اصول جرم‌انگاری و تعیین مجازات و تناسب بین جرم و مجازات ندارد بلکه روشی حمایتی از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی است که می‌تواند جایگاه کشور را در سیاست جنایی تقنینی نسبت به اقلیت‌های دینی از حیثیت حمایت کیفری ارتقاء بخشد گرچه شاید این امر در اجراء با توجه به نگرش سنتی و کلاسیک به قوانین جزایی و اعتقادات قبلی به اینکه اقلیت‌های دینی شناخته نشده (غیردینی) حتی حق حیات ندارند (کدیور، پیشین: ۲۰۹) با چالش و دشواری مواجه است.

سیاست جنایی افتراقی می‌تواند در یک سیاست جنایی مشارکتی نیز دنبال شود ایجاد انجمن‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی که حداقل در قانون اساسی و اصل ۲۶ قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ اجازه آن به اقلیت‌های دینی داده شده است و حمایت دولت از این انجمن‌ها در قالب ایجاد صندوق حمایت از اقلیت‌های دینی براساس تدوین مقررات و سیاست جنایی تقنینی حمایتی مدون در این خصوص نوآوری مهمی در بخش حمایت از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی را دربر خواهد داشت. اتفاقاً این موضوع حسب دستورالعمل و ضوابط اجرایی کمک و حمایت از بزه‌دیدگان که وزیر دادگستری در تاریخ ۱۳۸۸/۰۴/۳۱ صادر شده است سابقه اجرایی داشته و در قالب سیاست جنایی اجرایی بصورت آزمایشی تا پایان همان سال به مورد اجراء گذارده شده است همین امر را می‌توان در مورد

بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی به صورت مستقل و افتراقی و ویژه تسری داد.

### نتیجه‌گیری

متأسفانه در کشور ما بحث حمایت کیفری از اقلیت‌های دینی و مخصوصاً بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی، علی‌رغم احترام اجتماعی ویژه به اقلیت‌های مذکور تقریباً ناشناخته و کمتر به آن پرداخته شده است. در حالی که حمایت از بزه‌دیدگان بطور عام امری ضروری و مبتنی بر مبانی عقلی، ارزشی و دینی غیرقابل انکار است (توجهی، ۱۳۹۲: ۶۴۵). در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی این حمایت بطور خاص و ویژه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. لیکن علی‌رغم وجود مبانی اعتقادی، اخلاقی و انسانی که همگی آنان در اصول قانون اساسی ذکر شده و با توجه به الزامات قانون-گذار به سبب الحاق کشور به اسناد بین‌المللی مخصوصاً میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، رویکردهای حمایتی از اقلیت‌ها و بزه‌دیدگان آنان مورد اقبال قرار نگرفته است و حتی به علت عدم تحقق اصل برابری در مقابل قانون و نادیده گرفتن آن اقلیت‌های دینی در معرض خلاءها و کاستی‌های قانونی قرار دارند. این خلاءها و کاستی‌های قانونی ناشی از نگرشی سنت‌گرایانه و فهم سنتی قانونگذار و تدوین‌کننده سیاست جنایی تقنینی در وابستگی و غیرقابل انعطاف بودن به این فهم و مفاهیم، بدون توجه به اینکه در بستر تاریخ این مفاهیم که بعضاً بر اساس فقه سنتی بوده قابل تجدیدنظر و بازنگری است.<sup>۲۶</sup> در حالی که امکان تغییر این دیدگاه با توجه به غنی بودن ابواب فقه شیعه و مخصوصاً اصل مصلحت و مقتضیات زمانی و مکانی که در طول تاریخ از آنان در تحکیم احکام اسلامی و دعوت آحاد مردم به اجرای آن استفاده گردیده

است وجود دارد، این تغییرات همچنان که در بحث دیه مسلمان و غیرمسلمان در قانون مجازات اسلامی با اخذ حکم حکومتی مقام رهبری و بر مبنای فتوای ایشان تغییر دیدگاه سنتی صورت گرفت، در ابعاد دیگر نیز قابل اجرا است و می‌تواند راهگشای رفع خلاءها و کاستی‌های موجود نسبت به اقلیت‌های دینی باشد. گرچه امنیت و حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان با تأکید اسناد بین‌المللی مخصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تضمین واقع شده است و اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی در اواخر قرن بیستم (۱۹۹۲) این حمایت را دوچندان کرده اما در نظام تقنینی، قضایی و اجرایی ایران علی‌رغم پیشرفت‌های قابل ملاحظه در بحث حمایت از بزه‌دیدگان در خصوص اقلیت‌های دینی کمتر حمایتی مخصوصاً حمایت کیفری به چشم می‌خورد.

تدوین یک سیاست تقنینی توأم با توجه به الزامات بین-المللی و رعایت اصول مترقی قانون اساسی در فصل حقوق ملت و با استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی علی‌الخصوص با توجه به ویژگی‌های اخلاقی اقلیت‌های دینی در همراهی و شرکت در امور اجتماعی و حمایتی می‌تواند کمک بسیار شایانی در رفع خلاء و کاستی‌های موجود در حمایت کیفری باشد و همانطور که پیش‌تر گفته شد، این مهم جزء با احترام به کرامت ذاتی انسان و به روز کردن برخی از دیدگاه‌های فقهی سنتی با مقتضیات زمان و مکان و نیاز-های بشری و شجاعت در این تغییر دیدگاه که نمونه آن را در مورد شمول برابر دیه مسلمانان با صابئین را در فتوای مقام رهبری شاهد بودیم، حاصل نخواهد شد.

این تغییر، بیشتر از اینکه در مورد اقلیت‌های دینی به اصطلاح به رسمیت شناخته شده و مذکور در قانون اساسی





۳- ایجاد انجمن یا دفاتر حمایت از حقوق (حقوق کیفری) بزه‌دیدگان اقلیت‌های در مراکز استان مستقر در دادگستری‌ها و یا استانداری‌ها با ارائه خدمات قضایی رایگان؛

۴- ایجاد شعب خاص رسیدگی به دعاوی کیفری که بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان آن از اقلیت‌های دینی باشد؛

۵- تشکیل جلسات هم‌اندیشی بین اساتید حوزوی و دانشگاهی در جهت همسان سازی قواعد فقهی و مقررات بین‌المللی در حمایت کیفری از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی؛

۶- ایجاد رشته تخصصی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه بزه‌دیده‌شناسی و حقوق بزه‌دیدگان با ارائه سرفصل‌های گروه خاص بزه‌دیدگان و بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی؛

۷- استفاده از نیروهای انتظامی و سایر ضابطان دادگستری که خود از اقلیت‌های دینی هستند در رابطه با وظایف محوله قانونی در مورد بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی و یا در مناطق اسکان اقلیت‌های مذکور؛

۸- پیگیری و نهایی شدن سیاست‌های کلی نظام در بخش ادیان و مذهب از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۹- ارتقاء سطح اداری مشاورت رئیس جمهور به معاونت رئیس جمهور در زمینه اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های دینی.

#### پی‌نوشت

۱- بطور مثال در کشور ایران رئیس جمهور حسن روحانی، علی یونسی را به عنوان دستیار ویژه در امور، اقوام و مذاهب و اقلیت‌های دینی انتخاب نمود.

۲- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید: رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه‌دیده‌شناسی، ج ۱، تهران: انتشارات شهردانش.

اثربخش باشد در مورد اقلیت‌های دینی ذکر نشده در قانون اساسی و به اصطلاح به رسمیت شناخته نشده از اهمیت بیشتری برخوردار است. با اتخاذ یک رویکرد جدید و نوین دائر بر اینکه، هر کس به خداوند متعال اعتقاد داشته و پیرو یکی از پیامبران الهی است به رسمیت شناخته می‌شود، می‌توان علاوه بر تفکیک دین‌ها و مذاهب جدید التأسیس غیرالهی و ساخته دست انسان که اساساً دین به معنای دقیق آن نیستند (نمونه‌ای تعریف دین در مباحث پیش گفته ارائه شد) از مذاهب و ادیان الهی، از تبلیغات غیرواقع، واهی ادیان و مذاهب کاذب جلوگیری نموده و آنان را خلع سلاح می‌نماید. همچنین چتر حمایتی قانونی نیز بر سر تمامی اقلیت‌های حاضر در قلمرو کشور نیز گسترانده شده و اتحاد و انسجام آحاد مردم را دوچندان خواهد کرد و با توجه به نقش کشور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی منطقه‌ای و بین‌المللی، اتخاذ یک سیاست جنایی تقنینی نمونه در مورد اقلیت‌های دینی می‌تواند الگویی برای سایر ملت‌ها و کشورهای دارای اقلیت‌های دینی بوده و معرفی‌کننده نگرش فقهی جدید و دیدگاه‌های نو و جامع‌الاطراف در این خصوص باشد با این وصف پیشنهادات ذیل در خصوص حمایت کشور از بزه‌دیدگان اقلیت‌های دینی قابل ارائه است:

۱- تدوین قانون حمایت از اقلیت‌های دینی که علاوه بر حمایت‌های مالی، اجتماعی، فرهنگی به حمایت کیفری و چگونگی آن پرداخته شود؛

۲- تشکیل جلسات تحقیقی در قالب سمینارها و همایش‌ها به منظور شناسایی اقلیت‌های دینی و ایجاد ضابطه در شناسایی آنان با رویکرد به دیدگاه‌های جدید فقهی و تعاریف اسناد بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های علمی در داخل و خارج از کشور؛

- ۳- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید: حسینی، حسین (بی‌تا)، «حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی»، **دوهفته نامه پگاه حوزه**، ش ۲۲۹.
- ۴- برای نمونه ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ شرط اجرای حدّ قذف را مسلمان بودن قذف شونده، عنوان نموده است. گرچه در تبصره یک ماده مذکور قذف غیرمسلمان مشمول مجازات تعزیری است لیکن این تعدیل یا تخفیف بلاوجه مجازات بزهکار به جهت دین (مذهب) بزه دیده از منظر حقوق انسانی و قواعد اخلاقی قابل توجیه نیست.
- ۵- نگاه کنید به: نجفی‌توانا، علی (۱۳۸۹)، **مجموعه مقالات پیرامون سیاست جنایی**، چ ۱، تهران: انتشارات آموزش، ص ۱۴۷.
- ۶- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: رضوی‌فرد، بهزاد، فقیه‌محمدی، حسن (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۴۵- صص ۲۳۳-۱۹۵.
- ۷- بطور مثال: اعراب مسیحی عراق از نظر مذهبی در این کشور اقلیت هستند اما از دیدگاه حقوقی به گروه به اکثریت تعلق دارند و در عوض ترکمنی‌های شیعه مذهب از نظر مذهبی اکثریت می‌باشند اما از نظر حقوقی در موقعیت اقلیت قرار دارند.
- ۸- برای مطالعه آراء قضایی بین‌المللی نگاه کنید به: عزیزی، ستار (۱۳۹۴)، **حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات شهر دانش، صص ۸۹-۸۴.
- ۹- بر اساس ماده واحده مصوب ۵۴/۲/۱۷ اجازه الحاق ایران به میثاق بین‌المللی فوق مدنی و سیاسی از سوی مجلسین وقت به دولت داده شده و در حال حاضر ایران به این میثاق پیوسته است.
- ۱۰- با این حال برخی از مواد و بندهای منشور حقوق شهروندی در مورد حقوق اقلیت‌های دینی با چالش و تعارض مواجه است بطور مثال در بند اول ماده یک اشاره‌ای به دین و مذهب نشده و با این وصف برخورداری کلیه اتباع ایرانی از حقوق مندرج در پیش‌نویس یاد شده هر چند با تفاوت‌های جنسی و قومی در مورد تفاوت‌های دینی و
- مذهبی تسری ندارد، هم چنین در بند ۲۷ ماده ۳ پیش مذکور آمده است دولت مکلف است آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودک بر اساس معتقدات خودشان محترم بشمارد حال اگر به والدین اجازه آموزش اصول مذهبی داده شده با عدم به رسمیت نشناخته شدن این مذهب چه باید کرد؟
- ۱۱- در قرآن کریم در سه مورد در آیات ۶۲ سوره بقره، ۶۹ سوره مائده و ۱۷ سوره حج از صابئین نام برده شده که به نظر می‌رسد این فرقه دینی در کنار مسلمانان، یهودیان و ترسایان مورد شناسایی قرآنی قرار گرفته‌اند.
- ۱۲- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به سخنرانی دکتر آیت ا... سید مصطفی محقق داماد مدیر کل حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در نشست حقوق اقلیت‌ها در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی اردیبهشت سال ۱۳۹۳.
- ۱۳- در فاصله زمانی فی‌مابین تصویب کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی در سال ۱۹۴۸ و تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی در سال ۱۹۴۵ تصویب شد ولی در این کنوانسیون فقط از اقلیت‌های قومی و نژادی حمایت و در باره اقلیت‌های مذهبی و دینی ساکت است.
- ۱۴- در بند ب ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح شده که آزادی در ابراز مذهب یا عقیده با هیچ محدودیتی مواجه نخواهد شد مگر مطابق قانون و نیاز یک جامعه دموکراتیک در جهت تأمین امنیت عمومی حمایت از نظم عمومی، سلامت یا اخلاق برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگر.
- ۱۵- در آیه شریفه ۸ سوره ممتحنه مقرر شده: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.
- ۱۶- لازم به ذکر است با مراجعه به سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش مصوبات ملاحظه می‌شود که سیاست‌های کلی نظام در



زاده، محمدجعفر و هوشیار، مهدی (۱۳۹۳)، «موقعیت اقلیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، س ۵، ش ۲، ص ۶۱.

۲۴- بر اساس مواد ۲۸ و ۴۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ کمیته (کمیسیون) حقوق بشر، زیر نظر سازمان ملل متحد. گزارش‌های سالانه در خصوص وضعیت حقوق بشر در گروه عضو از جمله کشور ایران که بر اساس مصوبه ۱۳۵۴/۰۲/۱۷ مجلسین وقت به آن ملحق شده است تهیه و ارائه خواهد داد.

۲۵- بقره ۱۳۶ - نحل ۱۲۵، آل عمران ۱۹ و ۸۵.

۲۶- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به سخنرانی دکتر آیت ... سید مصطفی محقق داماد مدیر کل حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در نشست حقوق اقلیت‌ها در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی اردیبهشت سال ۱۳۹۳.

### فهرست منابع

- ۱- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۲)، **علوم جنایی**، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- حاجی تبار فیروز جانی، حسن (۱۳۸۸)، «پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی افراد در معرض خطر»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، س ۴، ش ۱۲.
- ۳- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۳)، «موقعیت اقلیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون»، **دوفصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، س ۵، ش ۲.
- ۴- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۷)، «حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی»، **دو هفته‌نامه پگاه حوزه**، ش ۲۲۹.
- ۵- خمینی، روح ... (۱۳۸۷)، **صحیفه امام خمینی**، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، **بزه دیده‌شناسی حمایتی**، چ ۲، تهران: نشر دادگستر.

بخش اقوام و مذاهب در ۱۳۷۸/۱۱/۰۲ تدوین گردیده ولیکن ظاهراً با ارائه مفاد آن به مقام رهبری تاکنون این مصوبه مجمع از ناحیه ایشان مورد تأیید قرار نگرفته و ابلاغ نگردیده است لذا امکان دسترسی به متن اصلی مصوبه مجمع بدست نیامد.

۱۷- در این زمینه می‌توان به ماده ۸، بند ج ماده ۳۸، مواد ۴۰، ۴۶، ۵۸، ۶۴ و ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ اشاره کرد.

۱۸- با توجه به دیدگاه‌های نوین در احکام دینی و تقسیم بندی احکام به دو دسته کلی، احکام ثابت و دائمی، احکام مقید و مشروط که در قسم اخیر را می‌توان در زمره سیاست‌های جامعه اسلامی شمرده شود متوقف بر رعایت مصالح عمومی و منافع ملی مسلمانان است و شکل ثابت و همیشگی ندارد و دیه انسان‌ها علی الاطلاق برای هر عقیده مذهبی می‌توان از این احکام باشد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید. کدیور، محسن (۱۳۸۷)، **حق الناس، اسلام و حقوق بشر**، تهران: انتشارات کویر، ص ۳۸۲.

۱۹- به موجب بند ۶ اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه: کرامت و ارزش‌های انسان و در بند ۱۴ اصل سوم ایجاد امنیت عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف دولت جمهوری اسلامی برشمرده شده است.

۲۰- به موجب آیه ۷۰ سوره اسراء (ولقد کرمانا بنی آدم ... خدانود متعال می‌فرماید: حقاً که ما فرزندان آدم را کرامت و شرافت بخشیدیم. بر اساس اطلاق این آیه کرامت انسانی مخصوص همه بشر و انسان‌ها بوده و اقلیت‌های دینی مجزا از اعطای الهی این کرامت نیستند.

۲۱- آیه ۱۷۹ - سوره بقره.

۲۲- متأسفانه علیرغم قول مشهور در مورد قصاص مسلمان معتاد به قتل غیرمسلمان (ذمی) قانونگذار این موضوع را به سکوت برگزار کرده و هیچگونه نظری نفیاً یا اثباتاً در مورد آن ابراز نداشته است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: زراعت، عباس (۱۳۸۹)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: انتشارات ققنوس، ص ۲۰۰۷.

۲۳- برای ملاحظه آراء صادره در این خصوص مراجعه کنید به: حبیب

- ۷- رحیم‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ۸- رضوی‌فرد، بهزاد و فقیه‌محمدی، حسن (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، س ۲۸، ش ۴۵.
- ۹- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۷)، *ترجمه نهج‌البلاغه*، ج ۲۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- صانعی (الف)، یوسف (۱۳۸۴)، *استفتائات قضائی*، ج ۱، چ ۲، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- صانعی (ب)، یوسف (۱۳۸۷)، *فقه و زندگی ۲ (برابری قصاص در زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان)*، قم: انتشارات میثم تمار.
- ۱۲- عباسی، حسام (۱۳۹۳)، «بزه‌دیدگی سالمندان، سبب‌شناسی و تبیین خلاءهای حمایتی»، *ماهنامه دادرسی*، س ۱۸، ش ۱۰۵.
- ۱۳- عزیزی، ستار (۱۳۹۴)، *حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل*، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۴- عمید، حسن (۱۳۶۲)، *فرهنگ عمید*، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، *حق‌الناس، اسلام و حقوق بشر*، ج ۱، تهران: انتشارات کوثر.
- ۱۶- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰)، «بزه‌دیدگی‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی»، *نشریه حقوق، دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری*، ش ۱.
- ۱۷- میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۸۵)، «حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان»، *فصلنامه اندیشه تقریب*، ش ۹.
- ۱۸- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۲، ش ۶.